تبارشناسی جریان‌های سیاسی پس از وقایع پاییز ۱۴۰۱
با نسبت‌سنجی ایده‌ها و انتظارات جامعه ایران

ایران ۸ ماه قبل از انتخابات

محمد زعیم‌زاده
جانشین سردبیر

اگر فکر می کنید فضای سیاسی و اجتماعی ایران به قبل از پاییز ۱۴۰۱ بازمی‌گردد لطفا ادامه این متن را نخوانید؛ شورش، انقلاب، جنبش، ناجنبش و... اینها اسامی است که برای تحلیل ماهیت رویدادهای سال گذشته به کار می‌برند، وقایعی که از یک سو عمیق بودند و منحصر به فرد و از یک سو تکراری و قابل پیش‌بینی و البته با اثرات قابل ترمیم.

به وقایع چند هفته اخیر فرانسه نگاه کنید، در کشوری که هم سابقه اداره دموکراتیک دارد و هم خاستگاه کنش‌های اعتراضی گاه و بیگاه است، حدی از خشونت در اعتراض اتفاق افتاد که دولت پاریس برای کنترل آن همه ژست‌های آزادیخواهانه را کنار گذاشت و دولتمردان برای ساختن سامانه توجیه، آنچنان پربسامد از نسل Z و جنبش‌های شبکه‌ای و شورش از مسیر شبکه‌های اجتماعی گفتند که گویی این یک فرمول قابل تکرار برای اعتراض خشن در دنیاست. پاریس که پیش از این عموما اعتراض‌ها جنبشی با خاستگاه‌های چپ‌گرایانه را دیده بود، حالا شاهد شورشی خشن بود که علاوه‌بر جریان‌های چپ و ریشه‌های کارگری، پایگاه نسلی و مهاجرتی هم داشت. یک شورش هیبریدی که احتمالا ایرانی‌ها بهتر بتوانند آن را درک کنند، با این تفاوت که فرانسوی‌ها فعلا هیچ دنباله‌ای خارج از مرزها برای تشدید یا طراحی اعتراضات پیدا نکرده‌اند، اما در ماجرای ایران تا چند روز بعد از درگیری پلیس آلبانی با گروه رجوی به وضوح فعالیت‌های برخی کاربران موثر در ساماندهی اعتراض‌ها تعطیل یا حداقلی شد، و این خود نشان از دستکاری بخشی از اعتراضات ایران از خارج از مرزها بود. تفاوت‌ها و شباهت‌های میان وقایع ایران و فرانسه می‌تواند موضوع یک مطلب دیگری باشد اما در همین حد اجمال باید گفت ایران تنها کشوری نیست که در آن ممکن است چنین اتفاقاتی بیفتد، البته این فی‌نفسه یک فضیلت برای حکمرانی ایران به حساب نمی‌آید. فضیلت توانایی یک حکومت و یک گفتمان در تحلیل دقیق زمینه‌های اعتراضی و جهت‌گیری درست در ساحت سیاستگذاری و اجرا، برای کاهش زمینه شکاف‌های اجتماعی و ترمیم بستر اعتراض است.

ایران ۱۴۰۲ و عبور از جریان‌شناسی کلاسیک

فضای سیاسی ایران تا پیش از این با مولفه‌هایی کلاسیک قابل صورت‌بندی بود، در آغاز انقلاب تا سال ۶۰ و قبل از پایان دولت بنی‌صدر دوگانه خط امامی- ائتلاف لیبرال/ التقاطی می‌توانست یک نزاع ایدئولوژیک را شکل دهد، دوگانه‌ای که به شکل نمادین در مواجهه شهید بهشتی- بنی‌صدر تجلی پیدا می‌کرد. در سال‌های ۶۰ تا ۶۸ کشمکش اصلی درون جریان خط امامی و در دوگانه چپ و راست شکل گرفت، یک نزاع فقاهتی که به موضوعاتی چون قانون کار، حدود اختیارات ولی‌فقیه، استکبارستیزی و نحوه مواجهه با آمریکا و... تسری پیدا می‌کرد. در سال‌های ۶۸ تا ۷۶، با کنار رفتن تدریجی جریان چپ سنتی، تکثرگرایی درون جریان راست پدید آمد که نتیجه آن رقابت دو خوانش راست سنتی و راست مدرن در انتخابات مجلس پنجم بود، با پیروزی جریان چپ در خرداد ۷۶ و ائتلاف چپ سنتی با چپ رادیکال که برخلاف اسلاف خود در سیاست خارجی و فرهنگ لیبرال و در اقتصاد بازاری- سوسیالیست شده بودند، جناح مقابل هم دست به بازسازی تشکیلاتی زد و جریان اصولگرا را تشکیل داد تا دوگانه اصولگرا و اصلاح‌طلب موضوعیت پیدا کند. ادبیات اصولگرا- اصلاح‌طلب حداقل بین سال‌های ۷۶ تا ۸۸ می‌تواند بیشتر فضای سیاسی کشور را توصیف کند، از سال ۸۸ و با ائتلاف بخشی از راست سنتی با کاندیدای جریان چپ و بعد رادیکالیسم انتخاباتی رادیکال‌های حامیان موسوی عملا فضای سیاسی کشور وارد دوره‌ای شد که دیگر ادبیات اصولگرا- اصلاح‌طلب برای صورت‌بندی وضعیت سیاسی کشور نارسا و ناکافی بود. این نارسایی در انتخابات سال ۹۲ با حمایت بی‌قید و شرط جریان اصلاح‌طلب از یک کاندیدای با سابقه راستگرایی به اوج خود رسید و عملا کارکرد دوگانه اصلاح‌طلب- اصولگرا به پایان رسید. حدفاصل سال‌های ۹۲ تا پاییز ۱۴۰۱ دوگانه اصلی فضای سیاسی کشور حول پاسخ به این سوال شکل گرفت که راه‌حل بحران ناکارآمدی در وهله بعد حرکت به سمت توسعه از کدام مسیر می‌گذرد. در پاسخ به این سوال سه جریان اصلی شکل گرفت؛ دسته اول که راه‌حل توسعه برون‌گرا را پیشنهاد می‌دادند، دسته‌ای که معتقد بودند تمرکز بر ایده‌های اقتصاد درون‌زا بدون توجه به تحولات بین‌المللی راه‌حل پاسخ به مسائل ایران است و دسته سوم که معتقد بودند هر دوی اینها باید توامان دیده شود؛ نه باید همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد سیاست خارجی ریخت و نه انتظار داشت بدون توجه به مسائل روابط بین‌الملل مسائل عمده اقتصادی کشور حل می‌شود. انتخابات‌های سال‌های ۹۸ و ۱۴۰۰ عملا محل رقابت بین ایده‌های دوم و سوم بود. حال به فرض اول متن برگردیم به چند دلیل مهم آنچه تا قبل از پاییز ۱۴۰۱ می‌توانست سپهر سیاسی اجتماعی ایران را تعریف و صورت‌بندی می‌کرد دیگر کار نمی‌کند.

۱ گذشت ۴۵ سال از حکمرانی و حضور دولت‌ها با گفتمان‌های گوناگون

گذشت زمان فرصت‌ها و تهدیدها توامانی برای حکمرانی پدید آورده است، یک حکومت هر چه از تشکیلش می‌گذرد راحت‌تر نسبت به ادعاها و شعارهای اولیه سنجیده می‌شود، طبعا اقتضائات، محدودیت‌ها و مقدورات در این ارزیابی مهم است ولی به هر ترتیب ارزیابی از یک حکمرانی ۴۵ ساله با ارزیابی از یک حکومت نوپدید تفاوت دارد، در این سال‌ها دولت‌های مختلف با گفتمان‌های مختلف، بعضا متضاد و گاهی مکمل عنان اجرا را در دست داشته‌اند. هرکدام نقاط ضعف و قوتی داشته‌اند و هواداران و مخالفانی و امروز نسبت به روند کلی این کنش‌های مدیریتی یک جمع‌بندی در ذهن عامه مردم تثبیت شده است، فارغ از مثبت یا منفی بودن این جمع‌بندی که خود به فراخور مخاطب حتما متفاوت است، اصل ماجرای گذشت ۴۵ سال مهم است و در قضاوت نسبت به آن موضوعیت دارد.

۲ تغییرات در موازنه قدرت در دنیا

برقراری رابطه سیاسی ایران و عربستان به عنوان دو قطب رقابت سیاسی، نظامی، امنیتی منطقه غرب آسیا با واسطه‌گری چین شاید مهم‌ترین نماد و عمومی‌ترین مصداق مورد توجه افکار عمومی برای تثبیت مفهوم تغییر موازنه قدرت در دنیا باشد، به گواه بیشتر کارشناسان ماهیت قدرت در دنیا برخلاف قطبی‌سازی‌های قبلی به سمت شبکه‌های نامنظم می‌رود، ورود چین به غرب آسیا به عنوان غول اقتصادی جدید دنیا، رشد پرشتاب اقتصادی هند و اندونزی، گرایش کشورهای عربی به برقراری ارتباط با روسیه و چین، ضربه‌گیر شدن اروپا در جنگ نیابتی آمریکا و روسیه در اوکراین، ایده‌های جاه‌طلبانه قومیتی اردوغان، رقابت استراتژیک کریدورها در شمال و جنوب ایران و... بعضی از نشانه‌هایی است که تصریح می‌کند قدرت ماهیتی پیچیده، هیبریدی و چندلایه پیدا کرده و البته سرعت تحولات هم در آن بالاست، این موضوع برای ایران هم فرصت‌های بزرگی را فراهم می‌کند و هم ممکن است تهدیدهایی داشته باشد، فرصت‌ها و تهدیدهایی که در هم‌تنیدگی ویژه‌ای هم با وضعیت اجتماعی داخل ایران خواهد داشت.

۳ تشدید رخداد جامعه شبکه‌ای

مهم نیست که عبور از جامعه توده‌ای به جامعه شبکه‌ای ابتدا در دنیای ارتباطات ایرانی شکل گرفته است و به فرهنگ و سیاست سرایت کرده یا برعکس، مهم آن است که این پدیده خوب فهمیده شود. روزگاری تمام ظرفیت مصرف رسانه‌ای ایرانی‌ها دو شبکه تلویزیونی بود و تمام رقابت سیاسی هم حول دو جریان جامعه روحانیت و مجمع روحانیون شکل می‌گرفت. این دوره را شاید بتوان عصر حکمرانی ارتباطات اجتماعی توده‌ای نامید، عصری که با جامعه‌ای هموار و کم‌شکاف روبه‌رو هستیم، ارتباطات تا اینجا عمودی است. نوسازی فیزیکی دولت سازندگی با محوریت توسعه اقتصادی که با تلاش برای سیاست‌زدایی و فرهنگ‌زدایی از جامعه معنا می‌یافت، نخستین حرکت جدی برای عبور از جامعه توده‌ای بود. هرچه پروژه توسعه تک‌ساحتی جلوتر می‌رفت در عرصه فرهنگ و سیاست مرجعیت‌زدایی بیشتری در گروه‌های سنتی رخ می‌داد. هرچه رشد فردگرایی شتابان‌تر شد خود مرجعی اجتماعی و افسون‌زدایی از جامعه توده‌ای هم شتاب گرفت، تیر خلاص به این پروژه بارشد شبکه‌های اجتماعی دوسویه زده شد. جامعه ایران از اعتراضات ۹۶ به بعد نشان داد بسیاری از مولفه‌های کلاسیک تعریف یک جامعه شبکه‌ای را دارد.

۴ به خیابان کشیدن تغییرات زیست- جهان ایرانی‌ها

مصرف فرهنگی اعم از فیلم، سریال، کتاب، موسیقی، غذا، پوشش، مُد، سفر و هر رویدادی که به زیست روزمره افراد مربوط باشد، نمادی از زیست- جهان جامعه است، در جامعه متکثر و شبکه‌ای ایران تغییرات در زیست- جهان ناظر به اتفاقات اقتصادی و فرهنگی محسوس است. این تغییرات زیست جهان که خبر از تغییرات فرهنگی عمیق دارد، در کنش‌های سیاسی خود را نشان می‌دهد. سرریز این تغییرات به عرصه قدرت شاید اولین بار به شکل ملموس در دوم خرداد ۷۶ خودنمایی کرد و به صندوق رای رسید. خطای بزرگ سال ۸۸ در به خیابان کشاندن مصادیق تغییر در زیست جهان، در سال‌های ۹۶ و ۹۸ و ۱۴۰۱ هم به نحوی دیگر تکرار شد. تشدید چنین فضایی در سال‌های آتی اصل خیابانی شدن کنش‌ها را ادامه می‌دهد و شرایطی را پدید می‌آورد که دو طرف می‌خواهند با نمایش ظرفیت خود اصطلاحا خیابان را تسخیر کنند. این تسخیرشدگی ممکن است ساماندهی شده و با رویکرد توده‌ای در شکل کارناوال و راهپیمایی و دسته اعتراضی باشد یا در گروه‌های خرد و محدود و با نمایش تفاوت در سبک زندگی، مُد و پوشش...

۵ تکثر رسانه‌ای و غلبه خُرد رسانه‌ها بر رسانه‌های کلان

شتاب تغییرات رسانه‌ای با گسترش شبکه‌های اجتماعی دوسویه و تعاملی وارد مرحله نوینی شد. ارتباطات دوسویه مصرف‌کننده پیام را به تولیدکننده تبدیل کرد؛ مخاطب منفعل را به مخاطب فعال بدل کرد و اصالت و تقدم را که پیش از این به قدرت سخت‌افزاری رسانه محدود می‌شد به نرم‌افزار و محتوا برگرداند.

چنین شرایطی خرد رسانه‌های محدودکننده رسانه‌های بزرگ را پدید آورد؛ گروه‌های مرجع سنتی را محدود یا وابسته به رسانه کرد، ایده ارتباطات توده‌ای را به محاق برد و روند تشکیل جامعه شبکه‌ای را شدت بخشید. در چنین شرایطی رسانه‌های اصلی و مرجع در چالش جدی قرار گرفتند. این روند در اعتراض‌های ۱۴۰۱ به شکل جدی آثار خود را نشان داد. اصولا بخشی از اعتراض‌ها به جای صحنه واقعی در رسانه اتفاق می‌افتاد، بخشی از اعتراض نه برای اعتراض و اثر واقعی آن بلکه برای بازنمایی در رسانه ایجاد می‌شد. صحنه‌های دکوپاژشده با میزانسن از قبل معین جهت مصرف در رسانه اولویت جدی‌تری نسبت به محتوای اعتراض پیدا کرد. اصالت بازنمایی بر واقع‌گرایی شاید یکی از دلایل فروکش کردن ناگهانی وقایع هم بود.

۶ شرایط اقتصادی خاص پس از یک دهه تحریم سخت

ساده‌اندیشانه است اگر بگوییم تحریم‌های سنگین خصوصا در یک دهه اخیر تاثیری در فضای سیاسی و اجتماعی ایران نداشته است. تحلیل ماهیت اعتراض‌های ۱۴۰۱ و چشم‌انداز وضعیت پیش‌رو بدون دانستن آنچه در دهه ۹۰ بر اقتصاد ایران گذشته است شدنی نیست. بیایید چند عدد و رقم از مراکز رسمی را با هم مرور کنیم. وضعیتی که اقتصاد ایران در دهه ۹۰ در رشد اقتصادی تجربه کرده، تا حد زیادی تراژیک است. در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۴، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ رشد اقتصادی ایران به ترتیب منفی ۰٫۴ درصد، منفی ۸٫۵ درصد، منفی یک درصد، منفی ۴٫۹ درصد و منفی ۶٫۳ درصد بوده است. از سوی دیگر طی سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۱۰ میانگین رشد اقتصادی ایران ۰٫۸ درصد شده است. در مدت مشابه میانگین رشد اقتصادی جهان ۳ درصد، رشد اقتصادی خاورمیانه ۲٫۹ و رشد کشورهای در حال توسعه ۵٫۴ بوده است. نکته مهم‌تر که شاید ریشه بسیاری از آمارهای منفی در دهه ۹۰ باشد پیشی گرفتن رقم استهلاک سرمایه از سرمایه‌گذاری بوده است. اتفاقی که حتی در سال‌های جنگ تحمیلی هم رخ نداده بود. اتفاقی که سبب می‌شود زیرساخت‌ها در کشور به سمت فرسودگی و پیری برود؛ نمونه‌های آشکار این وضعیت، ناترازی‌هایی است که در بخش‌های مختلف خود را در قالب قطعی برق و گاز و... نشان می‌دهد. شاخص دیگری که به زندگی روزمره مردم مرتبط است بحث مسکن است. در سال ۱۳۸۹ قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در شهر تهران حدود ۱٫۸ میلیون تومان بوده که در سال ۹۹ این عدد به حدود ۳۳ میلیون تومان رسید و این یعنی رشد ۱۸۰۰ درصدی در ۱۰ سال. چنین جهشی که در دهه ۹۰ رخ داد عملا خرید خانه را در کلانشهرها تبدیل به یک رخداد افسانه‌ای کرد.

۷ تشدید شکاف‌های اقتصادی گسترش حاشیه‌نشینی

از جمله آثار مخرب وضعیت اقتصادی دهه ۹۰ در ایران تشدید شکاف‌های اقتصادی و گسترش حاشیه‌نشینی بوده است؛ اتفاقی که سبب تشدید فضای اعتراضی در جامعه می‌شود. طی دهه ۱۳۹۰ در بخش مصرف کالاهای اساسی، عموما شاهد افول آمار رسمی بوده‌ایم. بنا به گزارش مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ سرانه مصرف گوشت مرغ به ازای هر نفر ۲ کیلوگرم، شیر و محصولات لبنی ۹ کیلوگرم، روغن و چربی‌ها ۳ کیلوگرم، برنج ۵ کیلوگرم، قند و شکر ۶ کیلوگرم، گندم ۴ کیلوگرم و گوشت قرمز ۴ کیلوگرم کاهش یافته است. از سوی دیگر براساس گزارش «الزامات و ضرورت‌های کارآمدی نظام رفاه و تامین اجتماعی» که توسط دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه شده، نرخ فقر یا همان نسبت جمعیت زیر خط فقر به کل جمعیت کشور از حدود ۲۰ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۲ درصد تا سال ۱۳۹۰ رسیده بود که این میزان در آخرین گزارش وزارت رفاه که مربوط به وضعیت سال ۱۳۹۸ است به ۳۳ درصد رسیده است. طبق این گزارش در سال ۱۳۸۵ کل جمعیت زیر خط فقر مطلق ۱۴ میلیون نفر بوده‌اند که این تعداد به ۱۷ میلیون نفر تا سال ۱۳۹۰ و به ۲۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۹۸ رسیده است. به عبارتی در حالی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ جمعیت کشور با رشد ۱۱ درصدی از ۷۵ میلیون نفر به ۸۳ میلیون نفر رسیده که در همین مدت جمعیت زیر خط فقر کشور با رشد ۶۲ درصدی از ۱۷ به ۲۷٫۶ میلیون نفر رسیده است.

۸ ظهور نسل Z

جهانی که زیست روزمره در آن هم به عناصر جهان واقعی و ملموس وابسته است و هم به عناصر دنیای دیجیتال یا رقومی شده اصطلاحا جهان دوفضایی نامیده می‌شود.

تجربه زیسته، مصرف فرهنگی، ملزومات آموزشی، کنشگری سیاسی در این دنیا اقتضائات خاص خودش را دارد، حال در ایران ۱۴۰۲ نوجوانان و جوانانی وارد عرصه‌های عمومی شده که اکثرا در دهه ۸۰ متولد شده‌اند، دهه‌ای که آغاز ورود پرشتاب اینترنت به سطح زندگی عمومی و شروع دگردیسی در سبک زندگی و نظام ترجیحات فرهنگی بود، اینکه این نسل با نظام ارزشی‌های حاکم چه نسبتی دارند نیاز به پیمایش و مطالعه جداگانه و عمیقی دارد و لزوما نمی‌توان گفت که زیستن در جهان دو فضایی سبب کاهش شاخص‌های ارزش‌های دینی و ملی آنها شده است، اما اینکه فرض کنیم آنها در دنیای دو فضایی شده صرفا درگیر یک تکنولوژی بی‌روح شده‌اند که هیچ اثر فرهنگی و زیستی بر این نسل نخواهد داشت هم قطعا اشتباه است.

۹ لاغر شدن طبقه متوسط

طبقه متوسط به عنوان بخشی از جامعه که حداقل نیازهای زیستی‌اش اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و... برطرف شده و مساله‌اش از یک سو رشد اقتصادی و از سوی دیگر موضوعات فرهنگی است، نقش مهمی در کنش‌های سیاسی و انتخاب‌ها دارد، طبقه متوسط در دنیا عموما با چند ویژگی شناخته می‌شود، تحول‌خواهی و راضی نبودن از شرایط اقتصادی و فرهنگی، اولویت داشتن مصادیق گفتمان آزادی در نظام ترجیحات، محافظه‌کاری، نسبتا خشونت پرهیز بودن و...

در تاریخ سیاسی پس از انقلاب این طبقه در سال‌های دوم خرداد و سال ۸۸ کنشگری جدی‌تری داشته‌اند، با شرایط ویژه‌ای که در سال‌های دهه ۹۰ در حوزه اقتصاد رخ داده و دسترسی به حداقل‌هایی از مسکن و خوراک و پوشاک تا حدودی دشوار شده، عملا طبقه متوسط اقتصادی به لاغرترین حد خود رسیده است. تثبیت چنین موقعیتی اگر همراه با کاهش فضای اعتراضی نباشد می‌تواند منجر به افزایش اعتراض‌های رادیکال شود.

۱۰ ارزیابی از نسبت فرآورده‌های دموکراسی و مقایسه با فرآیند دموکراسی

میزان امیدواری به صندوق رای یابی تفاوتی نسبت به آن حداقل با دو پارامتر سنجیده می‌شود نخست برگزاری استاندارد یک انتخابات با تکثر قابل قبول و دوم تثبیت این نکته که علاوه بر فرآیند دموکراسی فرآورده دموکراسی هم قابل قبول است، بدین معنا که آنچه از صندوق رای درمی‌آید نتیجه‌اش تغییر روندها و سیاست‌های اشتباه، تثبیت سیاست‌ها و روندهای قابل دفاع و در مجموع حرکت به سمت بهبود حکمرانی ملی است، پس از انتخابات‌های ۹۸ و ۱۴۰۰ به نظر می‌رسد حداقل در بعد بازنمایی هر دو این مولفه‌ها در بخشی از افکار عمومی با تردید جدی مواجه شده است. با توجه به این ۱۰ مورد به نظر می‌رسد فضای سیاسی پس از پاییز ۱۴۰۱ حول مساله امکان یا عدم امکان تغییر و ایده‌های تغییر وضع موجود شکل بگیرد و مبتنی بر این ایده حداقل ۸ طیف سیاسی و اجتماعی مهم در فضای سیاسی کشور وجود دارد، طیف‌هایی که به نظر می‌رسد در انتخابات‌های آتی چه مجلس چه ریاست جمهوری ایفای نقش مستقیم یا غیرمستقیم خواهند داشت. فهم این طیف‌ها از وقایع ۱۴۰۱ ایده آنها برای تغییر در شرایط را هم صورت‌بندی می‌کند. اغتشاش، شورش، جنبش و انقلاب مفاهیمی است که برای توصیف این وقایع به کار می‌گیرند. در تعاریف کلاسیک اغتشاش یک عملی تخریبی صرف است که هیچ ایده و گفتمانی پشتش نیست، اغتشاش عموما توسط نیروهای خارج مرز هدایت می‌شود. جنبش به کنشی اعتراضی می‌گویند که ایده آلترناتیو مشخص دارد، لیدر معلوم دارد و خشونت‌گریز است. شورش اعتراضی است که ممکن است بخشی از آن ماهیت جنبشی داشته باشد اما ایده آلترناتیو و لیدر ندارد و با خشونت هم مرزبندی نمی‌کند. انقلاب اما هم ایده جایگزین دارد هم رهبر و هم ممکن است نیازمند خشونت در اعتراض باشد.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۱۴

مخاطب‌شناسی کنشگران سیاسی پس از وقایع پاییز ۱۴۰۱

۱ جریان حفظ وضع موجود

ایده گفتمانی

این جریان معتقد است وضع موجود قابل قبول و بی‌ایراد است.

در این خوانش سیاست‌ها، روندها یا کارگزاران نیاز به تغییر جدی ندارد و صرفا آنچه اشکال دارد حس عمومی از وضعیت است، حامیان این ایده طبعا راهبرد آلترناتیوی برای تغییر ندارند و در صورت ورود به انتخابات نماد وضع موجود خواهند بود.

توصیف از وقایع

اغتشاش

فراگیری اجتماعی

بخشی از بدنه حامی دولت و بخشی از مجلس، طیفی از جریان محافظه‌کار سنتی

۲ جریان تغییر به نفع ایده جبهه پایداری

ایده گفتمانی و سیاسی

طیف دوم معتقدند وضع موجود بی‌ایراد نیست اما این سیاست‌ها ربطی به ایده‌های کلان یا سیاست‌های میانی ندارد، علت ناکارآمدی عدم‌باور کارگزاران دولت به راه‌حل‌های این جریان است، راه‌حل‌هایی که عموما ساده‌سازانه و دم‌دستی است و موضوع را در حد کارگزار و مدیر تقلیل می‌دهد، این تفکر سیاست خارجی مورد قبول را ایده مذاکراتی سال‌های ۸۶ تا ۹۲ و ایده فرهنگی کارگشا را تصمیمات کمیسیون فرهنگی مجلس یازدهم می‌دانند. از منظر اجتماعی کلان ایده این جریان تقویت صرف هسته سخت است که مصداق آن در مدیریت صداوسیما جریان دارد.

توصیف از وقایع ۱۴۰۱

اغتشاش

فراگیری اجتماعی

حامیان جبهه پایداری و سعید جلیلی

۳ جریان اصلاح از مسیر رفع نابرابری اقتصادی و سیاسی

ایده گفتمانی

این جریان می‌گوید وضع موجود ایرادهای مهمی دارد که در چهارچوب ظرفیت قانون اساسی فعلی و امکانات حقوقی موجود قابل اصلاح است. مشکلات هم در سطح کلان ایده حکمرانی وجود دارد، هم در سطح سیاست‌ها و هم در سطح کارگزاران، این طیف معتقد است با بازسازی تکثر و برابری بخش مهمی از مشکلات به شکل درون‌زا رفع می‌شود.

ایده سیاسی

اینکه آیا این جریان می‌تواند به مثابه یک جنبش اصلاحی فراگیر وارد فضای سیاسی کشور شود یا نه به توانایی آنها در متشکل شدن برمی‌گردد، در تعاریف کلاسیک از یک جنبش از چهار ویژگی نام برده‌اند: ۱- ایده گفتمانی ۲- سازماندهی اجتماعی ۳- آیین جنبشی ۴- غیرخشونت‌طلب و دارای کنش مدنی. از میان ۴ ویژگی این جریان تنها ویژگی اول و چهارم را داراست.

از خصوصیت‌های گفتمانی و تشکیلاتی این جریان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- باورمند به قانون اساسی، و ملتزم به نظریه‌های گفتمانی امام و رهبری و ایده‌های اجتماعی شهید سلیمانی.
۲- باور داشتن به عدالت و آزادی و توامان.
۳- معتقد به مردم‌سالاری دینی که از مسیر برگزاری انتخابات واقعی و تعهد سیاستمداران به قانون می‌گذرد.
۴- باور به لزوم داشتن رسانه واقعی که چیزی فراتر از ابزار پروپاگاندا است.
۵- دارای رویکرد نقد درون‌گفتمانی صریح.
۶- تجربه محدود اجرایی یا بدون تجربه اجرایی.
۷- بدون ساختار تشکیلاتی منسجم.
۸- دارای ظرفیت منفرد در حوزه رسانه‌ای.
۹- زمینه نیرویابی بالا از دانشگاه و از گروه‌های یک و دو که در بالا معرفی شدند.
۱۰- امکان ریزش نیرو به دسته‌های ۴ و ۵ و ۶ که در پایین معرفی می‌شوند.

فراگیری اجتماعی

- حزب‌اللهی‌های غیرعام و دانشگاهی
- عدالت‌خواهان چهارچوب‌مند
- اصلاح‌طلبان غیررادیکال

توصیف از وقایع ۱۴۰۱

شورش

۴ جریان اصلاح از مسیر سیاست‌خارجی و خصوصی‌سازی

ایده گفتمانی

این جریان عموما حامیان سیاسی و گفتمانی دولت روحانی هستند. از نگاه آنها تغییر یعنی بازگشت به همان ایده‌های دولت‌های هاشمی و روحانی. این گفتمان دو ضلع اصلی دارد؛ خصوصی‌سازی حداکثری و پرشتاب‌تر در اقتصاد و بازگشت به ایده برجام در سیاست خارجی. ایرادی که منتقدان به این ایده می‌گیرند این است که اولا تشدید پروژه خصوصی‌سازی در شرایطی که نابرابری یک از معضل‌های اصلی اجتماعی جامعه است، چه تاثیری بر نارضایتی‌ها خواهد داشت؟ ثانیا آیا بازگشت به برجام با توجه به تغییرات لحظه‌ای در تحولات بین‌المللی امری ممکن است؟ ثالثا در صورت ممکن بودن با توجه به تجربه قبلی خروج دولت آمریکا از توافق و ضعف ذاتی توافق هسته‌ای، در درازمدت نتیجه مطلوبی خواهد داشت یا نه؟

ایده سیاسی

آنها از جهت پیگیری ایده سیاسی در چهارچوب قانون اساسی سعی در مرزبندی با اصلاح‌طلبان رادیکال دارند. این جریان در سال ۱۴۰۰ انتخابات را تحریم نکرد و از این منظر در انتخابات آتی یک مزیت نسبی درون حاکمیتی نسبت به جریان اصلاح‌طلبان رادیکال دارد. نوع کنشگری این جریان در انتخابات آتی مجلس تابعی از رفتار انتخاباتی آنها در ریاست‌جمهوری ۱۴۰۴ خواهد بود. متغیر مهم در رفتار این جریان نوع کنشگری علی لاریجانی است. اعلام سریع عدم حضور در انتخابات توسط لاریجانی مهم‌ترین کنش دال بر حضور جدی او در فضای سیاسی بود. اجمالا لاریجانی برای بازگشت به سیاست رسمی چهار پیش‌فرض عمومی را مدنظر قرار می‌دهد:

۱- افول دولت رئیسی در حدی که آلترناتیو آن به‌راحتی رای بیاورد.
۲- تضمین عبور بدون دردسر از فیلترهای نظارتی
۳- استمرار بن‌بست سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبان کلاسیک و روحانی و حمایت بی‌منت از او
۴- عدم تحقق ساخت آلترناتیو دولت رئیسی از میان سایر اصولگرایان مثل قالیباف و رضایی و...

شروطی که تحقق‌شان هم سخت است و هم راحت. اولین مشکل لاریجانی این است که در هیچ‌کدام از صحنه‌های چهارگانه بالا بازیگر مستقیم نیست. او برخلاف دوران ریاست مجلس به دلیل دور بودن از قدرت نمی‌تواند تاثیر مستقیمی روی دولت رئیسی بگذارد، از سوی دیگر وقایع انتخابات ۱۴۰۰ سبب شد رابطه خوبی با شورای نگهبان که سال‌ها همسنگر سیاسی‌اش به حساب می‌آمد، نداشته باشد. او رابطه اثربخش و تشکیلاتی موثری هم فعلا با اصولگرایان و اصلاح‌طلبان ندارد و اینها کارش را سخت می‌کند. مساله دیگر در این جریان نسبت اصلاح‌طلبان با لاریجانی خواهد بود. کارگزارانی‌ها و حامیان دولت روحانی می‌دانند ائتلاف یا عدم ائتلاف با لاریجانی در هر موضوعی، چه شرکت کردن در انتخابات مجلس، چه شرکت نکردن، چه شرکت کردن انفرادی، چه دادن لیست رسمی، تکلیف آنها در انتخابات ریاست جمهوری بعدی را هم روشن می‌کند.

فراگیری اجتماعی

کارگزاران، بخشی از راست سنتی و طیفی از حامیان لاریجانی

توصیف از وقایع ۱۴۰۱

جنبش

۵ جریان تغییر از مسیر عقب‌نشینی فرهنگی

ایده گفتمانی

آنها می‌گویند ریشه حل مشکلات فعلی عدم تساهل است. مشکلات با تکثر بیشتر و شبیه آنچه در دولت دوم خرداد موسوم به توسعه سیاسی بود قابل حل است.

ایده سیاسی

اینکه سیدمحمد خاتمی درخصوص جزئیات تغییر قانون انتخابات در مجلس اظهارنگرانی می‌کند- فارغ از محتوای نقدی که به قانون جدید دارد- یعنی اصلاح‌طلبان طیف مشارکت و مجاهدین سابق به شکل جدی به ورود به انتخابات فکر می‌کنند و این یعنی شرط‌گذاری‌های امثال حجاریان برای ورود اصلاح‌طلبان به صحنه، حداکثر یک تقسیم کار سیاسی است. اما آیا آنها حتما در انتخابات پیش‌رو لیست می‌دهند؟ پاسخ به این سوال به برآورد آنها از میزان مشارکت مردم در انتخابات برمی‌گردد. اصلاح‌طلبان رادیکال دو مساله اصلی دارند: نهادهای نظارتی و بدنه غیرمشارکت‌جوی سیاسی. برای آنها از این بابت ۴ حالت متصور است:

۱- بدنه غیرمشارکت‌جو آنها را بخواهد و نهادهای نظارتی هم بخواهند: در این حالت مشارکت اتفاق می‌افتد که ممکن است با برد یا باخت همراه باشد. برد مثل ۷۶ و ۹۲ و باخت مثل ۸۴ و ۸۸.
۲- بدنه غیرمشارکت‌جو آنها را بخواهد اما نهادهای نظارتی نخواهند: در این حالت مشارکت آنها اتفاق نمی‌افتد.
۳- بدنه غیرمشارکت‌جو نخواهد و نهادهای نظارتی هم نخواهند: چیزی شبیه انتخابات‌های ۹۸ و ۱۴۰۰.
۴- بدنه غیرمشارکت‌جو نخواهد اما نهادهای نظارتی بخواهند: وقوع چنین حالتی در شرایط فعلی بعید است اما قبل‌تر در انتخابات شورای شهر دوم رخ داده است.

توصیف از وقایع ۱۴۰۱

جنبش

فراگیری اجتماعی

حزب اتحاد ملت، حامیان خاتمی، بخشی از عدالت‌خواهان رادیکال

۶ جریان تغییر قانون اساسی

ایده گفتمانی

این جریان معتقد است برای تغییر باید از تغییر قانون اساسی شروع کرد، بیانیه موسوی در چهارچوب ایده این جریان است. عده‌ای این ایده را آغازی بر ایده جریان‌های براندازی می‌دانند.

ایده سیاسی

این جریان با افول وقایع ۱۴۰۱ کنش موثری انجام نداد و امکان سیاست‌ورزی در چهارچوب قانون را از خود سلب کرد.

توصیف از وقایع ۱۴۰۱

جنبش

فراگیری اجتماعی

حامیان موسوی

۷ جریان براندازی بدون دخالت خارجی

ایده گفتمانی و سیاسی

عمده کنشگری این جریان در چهارچوب ایده‌های چپ گرایانه رادیکال افرادی چون آصف بیات، ژیژک و برخی شاخه‌های علوم اجتماعی در ایران صورت می‌گرفت، اعتراضات نوپایی که در سال ۱۴۰۱ محدود به برخی کنشگری آکادمیک ماند و خیلی توان ارتباط‌گیری با توده مردم را پیدا نکرد.

توصیف از وقایع ۱۴۰۱

انقلاب

فراگیری اجتماعی

چپ‌های نو، بخشی از ایرانیان خارج از کشور

۸ جریان براندازی با دخالت خارجی

ایده گفتمانی و سیاسی

این جریان به شکل رسمی بخشی از پروژه مدیریت شده توسط دستگاه‌های امنیتی خارج از مرزهاست و ایده این جریان تغییر حکومت با مداخله خارجی بود. این ایده به چند دلیل برای بازتولید کار سختی پیش‌رو دارد:

۱- عدم تبدیل به آلترناتیو جدی: قواره سیاسی هیچ‌کدام از افرادی که در این پروژه امنیتی گرد هم جمع شدند در حدی نبود که بتوانند فضای اعتراضی را راضی کنند. این بحران اپوزیسیون همچنان وجود دارد.
۲- وجود عنصر ضدایرانی‌گری در کنش سیاسی: تمامیت ارضی ایران به عنوان آخرین حلقه اتصال ایرانی‌ها خط قرمزی است که اپوزیسیون سال ۱۴۰۱ با خامی تمام چندین بار از آن رد شد.
۳- وابستگی رسمی به رژیم صهیونیستی
۴- اثبات وجود اهداف اقتصادی از اعتراض
۵- یکپارچه نبودن و انشعاب درونی
۶- ضربه به زیرساخت‌های گروه رجوی به عنوان نیروی میدانی شورش
۷- خشونت بیش از حد در اعتراضات
۸- فقدان ایده ایجابی
۹- وقوع اعتراضات رادیکال با فرانسه و این‌همانی وقایع با ایران
۱۰- برقراری رابطه با ایران توسط سعودی و پایان حمایت صریح از شورش توسط نیروهای منطقه‌ای

توصیف وقایع ۱۴۰۱

انقلاب

فراگیری اجتماعی

رجویست‌ها، پهلویست‌ها، تجزیه‌طلبان و...

جمع‌بندی

توصیف فوق نشان می‌دهد در فاصله ۸ ماه تا انتخابات مجلس فضای سیاسی کشور با وجود ظاهر رخوت‌آلود چون آتش زیر خاکستر پرحرارت است، اگر تکانه امنیتی یا متغیر شتاب‌دهنده مهمی در سیاست خارجی به فضا اضافه نشود، احتمالا در همین چهارچوب می‌توان یک مدل متکثر و پویای سیاسی شکل داد. لازمه چنین رخدادی دو مساله است؛ اول شکل‌گیری یک انتخابات با استانداردهای لازم در نظارت و نحوه برگزاری به شکلی که در اشل قابل قبولی امکان رقابت متکثر برقرار باشد، ثانیا نزاع اصلی به‌جای دعواهای مبتذل شب انتخاباتی احزاب فصلی، نزاع بر سر ایده‌های تغییرخواهانه باشد. اجمالا اگر انتخابات درستی می‌خواهیم باید هم فرم خوبی در آن رعایت شود و هم محتوا به انتخابات برگردد. از ملزومات شکل‌گیری چنین شرایطی گفت‌وگوی دائم و صریح و وجود رسانه ملی با گشودگی حداکثری است.

منابع و مآخذ در روزنامه موجود است